



بسم الله الرحمن الرحيم

هفته‌ی قوه‌ی قضائیه و این دیدار سالیانه، فرصت مغتنمی است برای اینکه هم تجلیلی بکنیم از شهید بزرگوار و عزیزمان، شهید بهشتی و شهدای هفتم تیر - که بحمدالله قوه‌ی قضائیه‌ی ما مفتخر است به اینکه سالروز خود را در یک چنین مناسبت پرمغز و پرمعنائی قرار داده است - و هم تشکر کنیم، تقدیر کنیم، اظهار اخلاص کنیم به تلاشهای وسیع و مستمر عزیزان فعال در قوه‌ی قضائیه؛ قضات محترم، کارکنان گوناگون، مدیران برجسته، و شخص محترم رئیس قوه‌ی قضائیه، جناب آقای آملی، که بحمدالله از لحاظ فکر و علم و نشاط کار و ابتکار و بسیاری از خصوصیات مهم در مدیران کلان، برجسته هستند. یاد آن عزیزان را گرامی میداریم و بخصوص شهید بهشتی بزرگوار را تجلیل میکنیم، احترام میکنیم. ایشان حقا و انصافا شخصیت بزرگی بودند، برجسته بودند و در همان دوران محدود مدیریت بر قوه‌ی قضائیه، بناهای مستحکمی را بنیانگذاری کردند، پایه‌گذاری کردند؛ و این به نام این بزرگوار خواهد ماند؛ و عبرتی است برای ما، که سعی کنیم با تلاش و با ابتکار، از زمانهای محدود استفاده کنیم برای کارهای بزرگ و ماندگار. همچنین همصدا و همسخن با رئیس محترم قوه‌ی قضائیه، از شما کارکنان محترم قوه، مدیران ارشد، مدیران میانی، قضات محترم و پاکدامن و شریف تشکر میکنیم و امیدوار هستیم که این تلاشها و همتهای شما بتواند مسئله‌ی اساسی کشور را که اجرای عدالت قضائی در سرتاسر کشور است، تحقق ببخشد.

اگر ما بخواهیم همه‌ی آرزوهای خودمان را در مورد مسئله‌ی قضاء در کشور، در یک جمله خلاصه کنیم، این کلمه‌ی «ارتقاء قوه‌ی قضائیه» محصول این خلاصه‌گیری است. ما باید قوه‌ی قضائیه را به طور دائم ارتقاء ببخشیم. همه‌ی این گزارشهای خرسند کننده‌ای که چه امروز شنیدیم و چه آنچه که در گزارشهای مکتوب و شفاهی به ما میرسد، به جای خود در خور تقدیر و سپاس است؛ لیکن آنچه که متوقع است، ارتقاء قوه‌ی قضائیه است به معنای کفایت عدل قضائی در کشور؛ این هم ممکن نخواهد شد، حاصل نخواهد شد، مگر آن وقتی که انسان خروجی‌های آن را مشاهده کند. همه‌ی این مقدمات برای این است که در جامعه‌ی ما عدالت قضائی تحقق پیدا کند. اگر عدالت قضائی شد، مفساد برچیده خواهد شد، افراد ناصالح از دست‌اندازی به مراکز حیاتی جامعه دستشان کوتاه خواهد شد؛ صلحاء در مراکزی که شایسته‌ی آن هستند، قرار خواهند گرفت. همه‌ی اینها بسته به تمامیت و کمال قوه‌ی قضائیه است. واقعا اگر نظام اسلامی بتواند قوه‌ی قضائیه را آنچنانی که نظر اسلام است، آنچنانی که در منابع دینی و فقهی ما مطرح شده است، بسازد و سامان بدهد، اکثر مشکلات جامعه‌ی ما - و هر جامعه‌ای - برطرف خواهد شد؛ مشکلاتی که ناشی از طغیانهاست، ناشی از خودخواهی‌هاست، ناشی از تعدی‌ها و تعرضهاست، برطرف خواهد شد. بنابراین هدف باید ارتقاء قوه‌ی قضائیه باشد. به هیچ حدی نباید قانع شد، تا آن وقتی که برسیم به سقف مطلوب. باید به سقف مطلوب برسیم. و به نظر من اگرچه این راهی طولانی است، اما قابل وصول است. اینجور نیست که ما بگوئیم خودمان را و دیگران را داریم به یک آرزوی دست‌نیافتنی دعوت میکنیم؛ نه، قابل وصول است. شما میتوانید. در کشور، ظرفیت و استعداد یک چنین چیزی وجود دارد. باید با تلاش، با ابتکار، با خسته نشدن، با به‌کارگیری امکانات و اشخاص و شخصیت‌های دارای ظرفیت، این راه را پیمود و پیش رفت.

برای مجموعه‌ی این کار، زیرمجموعه‌هایی وجود دارد، که به بسیاری از آنها رئیس محترم قوه اشاره کردند؛ و من خرسندم از اینکه می‌بینم توجه به این نقاط لازم وجود دارد، تلاشهایی هم برای آنها انجام گرفته - همچنان که در این گزارش مشهود بود؛ و چقدر خوب است که این گزارش و امثال آن در معرض افکار عمومی هم قرار بگیرد و معلوم بشود که این کارها دارد انجام میگردد یا انجام گرفته است - لیکن من دو سه تا نکته را مورد تأکید قرار



یکی مسئله‌ی برنامه‌ی جامع است، که ایشان اشاره کردند. اگر قوه‌ی قضائیه برای ارتقاء خود، برای آن سرمنزلی که میخواهد به آن دست پیدا کند و برسد، یک برنامه‌ی جامع و کامل و دقیق و همه‌جانبه نداشته باشد، پیمودن این راه یا ممکن نیست و با تناقضهای گوناگونی مواجه خواهد شد، یا بسیار دشوار خواهد بود. بنابراین برنامه‌ی جامع لازم است. این کار بزرگی است. رئیس محترم قوه در اول قبول این مسئولیت هم همین را گفتند و اعلام کردند. البته در آخرین گزارشی که به من دادند، گفتند اخیراً برنامه‌ی پنجساله ابلاغ شده؛ لیکن حالا در بیانات ایشان شنیدیم که بناست ابلاغ کنند. این کار نباید تأخیر بیفتد. این کار، بسیار کار مهمی است. برنامه‌ی جامع، اساسی‌ترین کارهاست.

نکته‌ی اساسی این است که تهیه‌ی برنامه‌ی جامع، یک مسئله است؛ باز کردن مسیرهای تحقق و عملیاتی شدن این برنامه، یک مسئله‌ی دیگر است. نباید به مجرد اینکه برنامه تنظیم شد و ابلاغ شد، احساس آسودگی کنیم؛ بگوئیم خب، این کار بزرگ انجام گرفت؛ نه، برنامه‌ی جامع، یک نسخه است؛ این نسخه باید پیچیده بشود، تکلیف اجزاء آن به طور دقیق مشخص بشود و مصرف بشود. در بخشهای مختلف بایستی این پیگیری بشود تا این برنامه‌ی جامع تحقق پیدا کند و عملیاتی شود.

به نظر من، در عملیاتی کردن برنامه‌ی جامع و هر آنچه که در داخل این برنامه هست - که من به دو سه نکته‌ی دیگر اشاره خواهم کرد - لازم است شتاب صورت بگیرد. توصیه به شتابزدگی نمیکنیم؛ اما شتابنده بودن حرکت، غیر از شتابزدگی است؛ با حوصله، با دقت، اما بدون تأخیر. یعنی «عدم تأخیر» را به عنوان یک اصل باید در کارها قبول کنیم. تأخیر باید تحقق پیدا نکند. طبق اصطلاحات رایج در اخلاقیات اسلامی، تسویف - «سوف افعّل، سوف افعّل»؛ خواهی کرد - نباید باشد؛ باید انجام بگیرد. آن وقتی که به نقطه‌ی تشخیص و تحقیق رسیدیم، باید بلافاصله در اجرا اقدام بشود و تأخیر نبایستی صورت بگیرد.

یک نکته‌ی دیگری که من در مورد ارتقاء قوه‌ی قضائیه عرض میکنم - البته قبلاً هم بارها مورد تأکید قرار گرفته، لیکن چون مهم است، تکرار میکنیم - مسئله‌ی اتقان احکام است. احکام دادگاه‌ها بایستی مطلقاً از سهل‌انگاری و سهل‌گیری به دور باشند. شما به عنوان یک قاضی محترم، حکمی که صادر میکنید، باید جوری باشد که اگر این حکم بنا باشد در معرض دید متخصصین امور فقهی و حقوقی قرار بگیرد، شما هیچ دغدغه‌ای نداشته باشید؛ مطمئن باشید به این حکمی که صادر کرده‌اید. قاضی وقتی از دانش لازم برخوردار است و مراقب کار خود و حکم خود هم هست، باید جوری باشد که همان وقتی که این حکم صادر شد، حاضر باشد آن را در معرض دید همه‌ی کارشناس‌ها و متخصصین قرار بدهد و بتواند از حکم خودش دفاع کند. اتقان حکم باید اینجور باشد. اندک سستی و ضعف در حکم، به کل بنای دستگاه قضائی ضربه وارد میکند. یک وقتی عرض کردیم؛ نقض مکرر احکام دادگاه‌های بدوی در دادگاه‌های تجدیدنظر یا در دیوان عالی کشور، نشان دهنده‌ی این است که یا احکام دادگاه‌های بدوی از لحاظ محتوایی نقص دارند و از اتقان برخوردار نیستند، یا از لحاظ شکلی نقص دارند و مقررات رعایت نشده. تصمیم بر این معنا بایستی در سرتاسر قوه رواج داشته باشد و مورد اذعان و قبول و پیگیری باشد که احکام، اتقان داشته باشند.

یک مسئله‌ی مهم در مسائل قوه‌ی قضائیه، مسئله‌ی زندانهاست. زندان، یک مجازات است. محبوس کردن انسان، محدود کردن او، یکی از مجازاتهای است که در قانون جزائی ما هست، در مواردی در فقه اسلامی هم وجود دارد؛ ایرادی هم ندارد. ما باید کاری کنیم که اولاً این چیزی که به عنوان جزای عمل و مجازات برای افراد تحقق پیدا میکند، در غیر موارد مجازات، مطلقاً تحقق پیدا نکند. البته در قانون مواردی هست که در صورت توجه اتهام، به خاطر دلائلی، بازداشت‌های موقتی انجام میگیرد؛ اما در این بازداشت‌ها، «موقت بودن» به معنای دقیق کلمه و به آن معنایی



که روح قانون متوجه به آن است، باید رعایت شود. ممکن است کسی بگوید خب آقا، پنج ماه، شش ماه هم «موقت» است دیگر. بله، ده سال هم به يك معنا «موقت» است؛ اما آن قانونی که موقت بودن بازداشت را قید میکند، کوتاه بودن این زمان در آن مندرج است. یعنی چون چاره‌ای نیست و ناچاریم به خاطر این اتهام، به خاطر دلائل و استدلالی که پشت این حرف هست، بایستی قبل از اثبات جرم، زندانی شود، لیکن باید در کوتاه‌ترین زمان، آن هم با رعایت شرایط قضائی انجام بگیرد. این نکته باید مورد توجه قرار بگیرد.

در مواردی که مشکلات، مشکلات مالی است و اعسار وجود دارد - یکی از بحثهایی که با دوستان داشتیم، این بوده است که آیا باید اعسار اثبات شود تا اینکه مجازات برداشته شود؟ این مسئله مشکلاتی را به دنبال خواهد داشت - در آن مواردی که جرمی به معنای واقعی کلمه اتفاق نیفتاده است، نباید ما متوسل به زندان شویم. در مجموعه‌ی قوه‌ی قضائیه کاری کنید که مجازات زندان به حداقل برسد؛ این احتیاج دارد به تدبیر. البته تدابیری اتخاذ شده؛ بعضی درست، بعضی نادرست - که نمیخواهیم وارد جزئیات و مسائلی بشویم - لیکن مجموعاً زندان يك پدیده‌ی نامطلوب است؛ مشکلات زندان، تبعات زندان، تبعاتی که برای خود زندانی پیش می‌آید، تبعاتی که برای خانواده‌ها پیش می‌آید، تبعاتی که برای محیط کار پیش می‌آید. بنابراین سیاست قوه‌ی قضائیه را این قرار بدهید و دنبال کنید؛ فکر کنید، راه پیدا کنید، علاج جویانه؛ یکی باید این باشد که مسئله‌ی زندان حل شود؛ هم از جهت اینکه جنبه‌ی مجازاتی زندان تبدیل نشود به يك شیء دیگر؛ دوم اینکه هرچه ممکن است، مجازات زندان کاهش پیدا کند و تبدیل بشود به مجازاتهای دیگر، تا تبعات زندان دامنگیر جامعه نشود.

يك مسئله‌ی دیگری که در مورد قوه‌ی قضائیه مهم است - البته مخاطب این، فقط قوه‌ی قضائیه نیست؛ بیشتر، دستگاه‌های تبلیغاتی‌اند - مسئله‌ی آبروی اشخاص است. خیلی باید مراقب حفظ آبروی اشخاص بود. شریعت اسلامی عرض مؤمن را در ردیف جان او قرار داده. نباید قوه‌ی قضائیه، دستگاه‌ها، دادگاه‌ها و دستگاه‌های اداری قوه‌ی قضائیه، تحت تأثیر جوسازی تبلیغات رسانه‌ها قرار بگیرند. خب، رسانه‌ها انصافاً در این زمینه مشکلاتی دارند؛ بخصوص حالا که این پایگاه‌های رایانه‌ای راه افتاده، مشکلاتی وجود دارد؛ یعنی خیلی امور لازم‌الرعايه، رعایت نمیشود؛ حقیقتاً اینجور است؛ این جزو نواقص زندگی ماست، نواقص کار ماست. خب، این در جای خود علاج دیگری دارد؛ علاج مسئله‌ی شایعات و کارهایی که در مطبوعات و غیر مطبوعات انجام میگیرد، مقوله‌ی جداگانه‌ای است؛ اما قوه‌ی قضائیه نباید تحت تأثیر قرار بگیرد. اگر چنانچه همه‌ی مطبوعات، همه‌ی پایگاه‌های رایانه‌ای که فضا درست میکنند، جو درست میکنند، افکار عمومی میسازند، به يك سمتی هل دادند، قوه‌ی قضائیه، آن دادگاه خاص یا دادرسی که حالا مسئول پیگیری يك پرونده است، بایستی کار خودش را انجام بدهد؛ هیچ تحت تأثیر نباید قرار بگیرد. این نکته‌ی بسیار اساسی‌ای است. اسم آوردن از متهمین، قبل از اثبات جرم، یا اسم نیاوردن، اما جوری بیان کردن که مثل اسم آوردن است، اینها اشکال دارد، ایراد دارد؛ اینها ارتقاء قوه‌ی قضائیه و دستگاه قضای کشور را یقیناً دچار اختلال میکنند. این هم يك نکته است که حتماً بایستی مورد توجه قرار بگیرد.

يك مسئله‌ی دیگری که در قوه‌ی قضائیه هست - و دیدم که مورد توجه رئیس محترم قوه هم هست؛ لیکن باید روی این، کار جدی‌تری انجام بگیرد - مسئله‌ی کادرسازی برای مناصب مدیریتی و مناصب بالای قوه‌ی قضائیه است؛ تربیت انسانهای صالح، بخصوص برای مناصب مدیریتی؛ والا در مجموعه‌ی قوه، امر خیلی لازم و مهمی است. از حوزه‌ها، از دانشگاه‌ها باید استفاده بشود. شخصیت‌های برجسته بحمدالله کم نیستند، استعدادهاى جوشان در جامعه‌ی ما کم نیست. این هم يك مسئله است که باید مورد توجه قرار بگیرد. ان شاءالله برای این، کار بشود، سرمایه‌گذاری بشود، برنامه‌ریزی بشود.

يك نکته هم که به نظر من نکته‌ی اساسی‌ای است - اگرچه به کارکرد قوه‌ی قضائیه ارتباط پیدا نمیکند، اما به حرکت



و مسیر کلی قوه، چرا، ارتباط پیدا میکند - همکاری قوا با یکدیگر است؛ امروز کشور به این احتیاج دارد.

www.leader.ir

من به شما عرض کنم؛ امروز قدرتهای زورگوی عالم به این نتیجه رسیده‌اند که باید همه‌ی توان خودشان را صرف کنند، شاید بتوانند ضربه‌ای، خدشه‌ای بر جمهوری اسلامی وارد کنند. یعنی شیطان همه‌ی نیروهای خود را متمرکز میکند برای مقابله‌ی با این حرکت عظیمی که وجود جمهوری اسلامی و بقاء جمهوری اسلامی و پیشرفت جمهوری اسلامی در دنیا به وجود آورده است. این را اگرچه اقرار نمیکنند، اما تشخیص میدهند. این بیداری‌ای که در دنیای اسلام به وجود آمده است، این شوق و میلی که در توده‌های مردم نسبت به آرمانهای اسلامی و هدفهای اسلامی به وجود آمده، تشخیص میدهند که این به خاطر حضور جمهوری اسلامی در افکار عمومی دنیای اسلام است. هر کار علمی مهمی که شما انجام میدهید، هر موفقیت اجتماعی یا سیاسی‌ای که شما به دست می‌آورید، هر حرکت عظیم اجتماعی‌ای که در داخل کشور انجام میگیرد - از قبیل انتخاباتهای پرشور - هر ایستادگی و مقاومتی که جمهوری اسلامی در مقابل زورگویی‌های استکبار انجام میدهد که در دنیای اسلام منعکس میشود، هر کدام از این کارهای بزرگ یک مشوقی است برای ملتها که بر پایه‌ی اسلام دنبال استقلال باشند. ملت ایران، اسلام را به عنوان پرچمی برای پیشرفت ملتها معرفی کرده؛ این را دشمنان میفهمند؛ لذا متمرکزند برای اینکه این کانون اصلی را از رونق بیندازند. همه‌ی این جنجالهایی که در قضایای مختلف ملاحظه میکنید - در قضیه‌ی حقوق بشر، در قضیه‌ی انرژی هسته‌ای و بقیه‌ی قضایا - به خاطر این مقابله است. البته اسم خودشان را هم میگذارند «جامعه‌ی جهانی»! جامعه‌ی جهانی نیست؛ چند تا قدرت زورگوی دنیایند؛ آمریکا است و چند قدرت دنبال‌رو آمریکا در این گوشه و آن گوشه‌ی دنیا.

در مقابله‌ی با جمهوری اسلامی، همه‌ی تلاش خودشان را دارند به کار میبرند؛ هدف هم این است که نظام مقدس جمهوری اسلامی را از پشتیبانی مردم - از این پشتوانه‌ی عظیم - محروم کنند. این تحریمها و اینها که مشاهده میکنید، هدف اصلی‌اش این است. البته بدروغ ادعا میکنند که هدف تحریمها، مردم نیستند؛ میخواهیم به مردم ضربه وارد نیاید. مثل بقیه‌ی ادعاهایشان، این هم دروغ و فریب و خدعه است. نه؛ اتفاقاً هدف اصلی، مردمند. فشارها برای این است که مردم را به ستوه بیاورند، مردم را دچار مشکلات کنند، تا از نظام جمهوری اسلامی دل بپزند؛ رابطه‌ی قلبی آنها با نظام جمهوری اسلامی قطع شود. البته به فضل الهی، به حول و قوه‌ی الهی، در این میدان هم شکست خواهند خورد. مردم ما را نمیشناسند، مسئولین ما را نمیشناسند. این خدعه‌ی دشمن، برای مردم افشاء شده است؛ میدانند که امروز هدف این است که مردم را خسته کنند؛ لذا مشاهده میکنید، ملاحظه میکنید که پافشاری مردم و حضور مردم در میدانهای مختلف، پرشورتر است. مسئولین هم مشغولند. حقا و انصافاً مسئولین در مقابله‌ی با تلاش دشمن، تلاش خودشان را دارند میکنند.

امروز آمریکا همه‌ی نیروی خود را متمرکز کرده است برای اینکه بتواند به خیال خود جمهوری اسلامی را محاصره‌ی اقتصادی کند. خودشان محاصره‌اند، خودشان دچار مشکلند. امروز اروپا و آمریکا دچار مشکلات اساسی و غیر قابل حلد؛ حقیقتاً هم مشکلات آنها قابل حل نیست. وضع آنها با وضع ما فرق میکند. ما بحمدالله همه چیز داریم. ما امکانات داریم، ثروت داخلی داریم، مردم خوب داریم، منابع مالی داریم، منابع انسانی داریم، بدهکاری جهانی نداریم. امکانات کشور، امکانات بسیار خوبی است. اذیت دشمن، تلاشی که دشمن میکند، برای این است که بتواند دسترسی جمهوری اسلامی را به این امکانات کاهش بدهد. تلاش مسئولین ما هم این است که این توطئه‌ی دشمن را خنثی کنند؛ ان شاءالله موفق هم میشوند، تلاش خوبی هم دارد انجام میگیرد.

در یک چنین شرائطی، آنچه که برای کشور ما لازم، فریضه و قطعی است، این است که همه‌ی دستگاههای مسئول در کشور برای مقابله‌ی با این تمرکز دشمن، دست به دست هم بدهند؛ اینها در اینجا بر نقطه‌ی حق تمرکز کنند.



هرگونه واگرایی نیروها از یکدیگر، واگرایی قوای سه‌گانه از یکدیگر، به ضرر کشور است، به ضرر نظام است. همه باید با هم همکاری کنند، همه باید به هم کمک کنند. دولت، مجلس، قوه قضائیه، همه در یک جبهه قرار دارند؛ آن جبهه، جبهه‌ی دفاع از اسلام است؛ دفاع از ملت عزیز و شریف است؛ دفاع از استقلال کشور است؛ دفاع از هویت انقلاب است، که به ملت ما و مردم ما هویت داد، بلکه به امت اسلامی هویت داد. امروز اهداف برجسته‌ی ما اینهاست. لذا باید همکاری انجام بگیرد.

بعضی از بگومگوها، بعضی از خدشه‌هایی که در کار یکدیگر میکنیم، کاملاً قابل خط خوردن از صفحه‌ی همکاری‌هاست؛ اینجور نیست که یک چیز اساسی و اصولی باشد؛ غالباً توهمات است. شما به عنوان قوه‌ی قضائیه، سهم خودتان را به طور کامل ایفاء کنید.

اگر چنانچه هر یک از بخشهای مختلف کشور، کار خودشان را متوقف کنند به کار طرف مقابل و طرفهای مقابل، هیچ کاری انجام نخواهد گرفت. ما بگوئیم چون دیگری به وظیفه‌ی خودش عمل نکرده، ما هم کم بگذاریم، کوتاه بگذاریم؛ نه، ما وظیفه‌ی خودمان را به طور کامل انجام بدهیم. این، علاوه بر اینکه یک ادای وظیفه‌ی الهی و ادای حق الهی است، کمک هم میکند به این که دیگران هم وظیفه‌ی خودشان را به طور کامل محقق کنند و انجام بدهند.

این توصیه‌ی ماست؛ امیدواریم که ان‌شاءالله خداوند متعال به شما، به ما، به همه‌ی آحاد مسئولین توفیق بدهد که حق بزرگ این ملت را ان‌شاءالله ادا کنند و حق بزرگ اسلام را ادا کنند. مطمئن باشید که موفق هم خواهید شد. خدای متعال وعده فرموده است و وعده‌ی الهی هیچ تخلفی ندارد و مسلماً وعده‌ی الهی تحقق پیدا خواهد کرد. وعده‌ی الهی، نصرت حق و اهل حق است. کسانی که در راه حق تلاش میکنند، خدای متعال، هم به اینها کمک میکند، هم هدایتشان میکند، هم آنها را دستگیری میکند و هم ضامن شده است که آنها را به هدف برساند. امروز هم کار ملت ایران، مسئولین، این سواد عظیم کارکنان و مسئولان دستگاه نظام در بخشهای مختلف این است. انصافاً نیت‌های بسیار خوب، و تلاش‌های صادقانه است؛ امیدواریم خدای متعال هم برکت ببخشد.

از خدای متعال مسئلت میکنیم که ان‌شاءالله به همه‌ی شما توفیق بدهد و روزبه‌روز درهای فتوحات عالی را برای شما بیشتر باز کند و بتوانید ان‌شاءالله وظائف مهمی را که بر دوش شماست، به بهترین وجهی انجام بدهید.

والسلام علیکم ورحمة‌الله و برکاته